



تراویح بیست و 20 رکعات

تالیف

حضرت مولانا محمد یوسف لدھیانوی شہیدؒ

ترجمہ

محمد انور بدخشان

شیخ الحدیث بجامعة العلوم الإسلامية
علامہ یوسف بنوری ٹاؤن کراچی



www.islamsight.org

تراویح بیست و 20 رکعات

تالیف

حضرت مولانا محمد یوسف لدھیانوی شہید

ترجمہ

محمد انور بدخشان

شیخ الحدیث بجامعۃ العلوم الإسلامیة
علامہ یوسف بنوری ٹاؤن کراتشي



www.islaminsight.org

جميع الحقوق محفوظة للناسر

2004

Email: umaranwer@gmail.com

Cell: +923333900441

وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَى
وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّى وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ

تراویح بسیار رکعت

تألیف

حضرت مولانا محمد یوسف لدھیانوی
— مدیر مجلہ ”بینات“ جامعہ علوم اسلامیہ علامہ بنوری ٹاؤن —

ترجمہ

محمد انور بدخشانی

استاذ جامعہ علوم اسلامیہ علامہ بنوری ٹاؤن کراچی ۷

فهرست مضامین

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۳۲	اختتام بحث در بیان چند فوائد ضروری	۴	باعث ترجمه
۳۳	بیست رکعت تراویح سنت	۴	ایمان که مثل ایمان صحابه نباشد نفاق است
	متوکه است	۵	ایمان مقبول آن است که مثل ایمان صحابه باشد
۳۴	تاکید نبوی راجع به سنت جاری کرده خلفای راشدین	۵	مخالفت از اجماع موجب دخول جهنم است
۳۵	تجوازا چهار مذہب تجاوازا	۶	طریقه نجات فقط طریقه پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم و طریقه صحابه وی است
	سواد اعظم است	۷	تا دوازده صد و پنجاه هجری هشت رکعت تراویح را کس ندی شناخت
۳۵	فلسفه بیست رکعت تراویح	۸	سوال
		۹	جواب
		۹	تراویح در عصر چهار گانه
		۹	تراویح در عصر نبوی صلی اللہ علیہ وسلم
		۱۳	تراویح در عصر فاروقی
		۱۳	رکعات تراویح در عهد فاروقی
		۲۶	تراویح در عهد صحابه و تابعین
		۳۰	تراویح در نظر ائمه اربعه

باعث ترجمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي من علينا ببعثة سيد الانبياء، صلى الله تعالى عليه وعلى آله واصحابه الذين هم نجوم الاهتداء .
اما بعد - به علمائیکه به دراست کتاب اللہ تماس دارند، خوب معلوم است که ہر ایمانی کہ مثل ایمان صحابہ کرام نباشد آن نفاق است، و نیز کسانی کہ بہ امور مصدقہ صحابہ تصدیق نہ کنند از ہدایت دور و دارای شقاق اند - چنانچہ در قرآن مقدس ارشاد ہست :

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا
آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنْتُمُ
كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ

چون گفتہ شود آن منافقین را کہ ایمان
آرید مثل ایمان دیگر مردمان (صحابہ) میگویند
کہ آیا ما ایمان آریم مثل ایمان همین احمقان ؟

و نیز ارشاد ہست

فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ
بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا وَإِنْ
تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي
شِقَاقٍ -

یعنی پس اگر ایمان آرند این مردمان (جہل)
بچیز ہائیکہ شما (صحابہ) بآن ایمان آورده اید
یقیناً راہ یاب خواهند گردید و اگر اعراض
کنند از چنین ایمان پس ضرور بالضرور در
قعر نفاق و شقاق واقع خواهند شد -

و این ہم بہ اہلش معلوم ہست کہ چنانچہ مخالفت و عناد با سنت پیغمبر

عليه الصلوة والسلام موجب دخول جهنم است همچنان مخالفت و انکار اجماع صحابه نیز سبب ذلت و رسوائی و دخول دوزخ میگردد چنانچه در سوره نساء ارشاد است :

وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ لُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ
یعنی کسیکه از سنت پیغمبر مخالفت کند بعد از معلوم شدن راه هدایت (و نیز از اجماع امت مخالفت نموده راه صحابه را ترک گوید) و پیروی کند راه غیر مسلمانان (صحابه) را میسپاریم به او چیزی را که متولی آن شده به خود پسند کرده است از گمراهی، و داخل خواهیم کرد او را در دوزخ -

درین عصر نفاق و شقاق و دور زندق و الحاد که راه تفصیل به مسلمانان از هر طرف باز است غیر از طریقه پیغمبر علیه الصلوة والسلام و طریقه صحابه کرام، ما دیگر پناه گاهی نداریم که در سایه آن نجات بتوانیم یافت - چون خود پیغمبر اسلام علیه الصلوة والسلام راه نجات و طریق فلاح را درین دو منحصر نموده اند - چنانچه راجع به فرقه ناجیه فرمودند ما انا علیه واصحابی فرقه ناجیه آن است که به طریقه قائم باشد که من و صحابه من بر آن قائم ایم لذا انحراف از اجامیات صحابه و اختیار نمودن راه دیگر بجز ضلال دیگر چیزی نیست، یکی از اجامیات صحابه کرام مسئله تراویح است که در ده سال خلافت عمر فاروق و دوازده سال خلافت عثمانی غنی و تقریباً شش سال خلافت علی مرتضی در هر سه زمینی که صحابه وجود داشتند از بیست رکعت تراویح کم نخوانده اند خصوصاً فقهاء صحابه از قبیل عبدالله بن عباس، عبدالله بن مسعود خود حضرت عباس، طلحه، زبیر، عثمان غنی، علی مرتضی، ابی بن کعب

و دیگر اکابر صحابه همه بیست رکعت تراویح را مسنون شمرده
 ادای کردند. نیز در عصر تابعین و مابعد هم همین اجماع برقرار
 ماند. حتی که ائمه اربعه کمی تراویح را از بیست رکعت هرگز تصور
 هم نکردند بلکه اگر اختلاف منقول است در زیاده از بیست
 منقول است نه کم از آن. و حتی که داود ظاهری در هر چیز
 از ائمه اربعه اختلاف دارد اما در عدد رکعات تراویح آن
 هم کلم از بیست را قائل نیست. امام ابن تیمیه، ابن قیم، ابن حجر
 عسقلانی، شوکانی صاحب نیل الاوطار اینها کسانی اند که رأی اینها
 را منکرین بیست رکعت تراویح از نص قاطع مقدم می‌شمارند
 این بزرگان نیز از بیست رکعت کم را قائل نیستند.

خلاصه اینکه از عصر عمر فاروق گرفته تا دوازده صد و پنجاه
 هجری هشت رکعت تراویح را کسی تصور هم نکرده بود. لیکن این
 گروه تجدید پسند برای ترغیب مردم و تحکیم سواد خود با یک
 دین جدیدی ایجاد نموده توحید را تراویح نام کردند و بعداً مردم
 را به هشت رکعت تبلیغ نموده بیست رکعت را خلاف سنت
 وضع کرده خود قسار دادند **اَنَا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**

در طول تاریخ اسلام هشت رکعت تراویح را کس نشنیده
 بود لذا قبل از سیزدهم صد هجری راجع به تعداد رکعات تراویح که از
 بیست کم باشد، یک حرف هم در کتب فقه و حدیث و تاریخ
 یافته نمیشود. و اگر سنت خلفای راشدین قابل پذیرای نیست بلکه
 واجب الانکار است، باید که ما اذان اول جمعه را نیز انکار کنیم،
 زیرا در عهد نبوی نبود بلکه حضرت عثمان اذان اول را راجع کرد
 و نیز حد شرب خمر را هشتاد شلاق قبول نه کنیم زیرا که از پیغمبر

صلی اللہ علیہ وسلم منقول نیست - وھلکذا ہزار ہا مسئلہ ہست
کہ تطبیق آن در عصر صحابہ جاری شدہ ہست -

فشرودہ و خلاصہ کلام اینکہ ہشت رکعت تراویح در اسلام
بہ کلی وجود نہ داشت لیکن یک گروہ کہ بعد از دوازدہ صد سال بمیدان
تجدد و دین سازی قدم نہادند اولین فعالیت شان این شد کہ
بیست رکعت تراویح را انکار نمودند - پس بر علماء اسلام فرض
شد کہ مسلمانان را از دجل و تبلیس اینہا خبر دہا سازند - چنانچہ حضرت مولانا
محمد یوسف لدیانوی مدیر مجلہ بینات کہ در رد فرق باطلہ و منکرین ختم نبوت
خدمت ہای نمایان انجام دادہ اند این مسئلہ را نیز مورد تحقیق قرار دادند
چون در نظر راقم ازین رسالہ جامع تر درین موضوع دگر دیدہ نشد لہذا
بہ ترجمہ آن پرداختم تا کہ مردم سادہ ما از فریب این برادر ہای جدید
المنہب مان محفوظ مانند -

وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ

محمد انور بدخشانی

مدرس جامعہ علوم اسلامیہ بنوری تاؤن
کراچی

۲۱ جمادی الثانی ۱۴۰۴ھ

سوال

بسم اللہ الرحمن الرحیم

یک رفیق مامی گوید کہ صرف ہشت رکعت تراویح سنت است و بس، (۱) زیرا در صحیح بخاری روایت ہے کہ چون از عائشہ رضی اللہ عنہا پرسیدہ شد کہ نماز آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم در رمضان چطور بود؟ در جواب فرمود کہ نبی صلی اللہ علیہ وسلم در رمضان و غیر رمضان از ہشت رکعت زیادہ نمی خواندند۔

(۲) نیز از حضرت جابر رضی اللہ عنہ روایت صحیح منقول است کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم در ہشت رکعت تراویح و وتر امامت فرمودند۔

اما روایتی کہ در ان خواندن بیست رکعت منقول ہے بالاتفاق ضعیف ہے (۳) نیز میگوید کہ حضرت عمر رضی اللہ عنہ ہم بہ خواندن یازدہ رکعت حکم کردہ بودند (ہشت تراویح و تسہ وتر)۔ چنانچہ در موطا امام مالک از سائب بن یزید مروی ہے، اما روایت بخلاف این کہ در ان بیست رکعت مذکور ہے اول اینکہ آن صحیح نیست و اگر صحیح باشد ممکن ہے کہ در اہل بیت را حکم کردہ باشند و بعد از معلوم شدن اینکہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم ہشت رکعت خواندہ اند، مطابق سنت بہ خواندن ہشت رکعت حکم کردند۔ بہر صورت تراویح مسنون از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم و خلفای راشدین صرف ہشت رکعت است۔ آنانکہ بیست رکعت میخوانند عملشان خلاف سنت است شما بفرمائی کہ سخن این رفیق ماما کجا صحیح ہے؟

سائل :

محمد عبداللہ۔ کراچی

الجواب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله وسلاماً على عباده الذين اصطفى

دوست شما موقف خود را واضح کرده است، من نیز موقف خود را واضح می‌کنم - (باقی) کدام از این دو صحیح است؟ قضاوت این بدست خود شماست - -

من این بیان خود را به چهار حصه تقسیم می‌کنم
(۱) تراویح در عصر نبوی (۲) تراویح در عصر فاروقی (۳) تراویح در دور صحابه و تابعین (۴) تراویح در نظر ائمه اربعه

۱- تراویح در عصر نبوی

نبی اکرم صلی الله علیه وسلم در احادیث متعدّد راجع به قیام (شب) رمضان ترغیب داده اند در حدیث ابوهریره رضی الله عنه چنین است :
كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يرغب في قيام رمضان من غير أن يأمرهم بعزيمة، فيقول : من قام رمضان إيماناً واحتساباً غفر له ما تقدم من ذنبه فتوفي رسول الله صلى الله عليه وسلم والأمر على ذلك ثم كان الأمر على ذلك في خلافة أبي بكر وصداً من خلافة عمر

{ جامع الاصول ۴/۳۹۹ به روایت بخاری و مسلم و ابوداؤد }
{ والترمذی و نسائی و مؤطا }

« یعنی پیغمبر علیه الصلوٰۃ والسلام راجع به قیام رمضان ترغیب میدادند مگر بدون حکم قطعی، چنانچه میفرمودند هر کس که با ایمان و ارادهٔ ثواب در (شب) رمضان قیام کند گناه سابقه او معاف خواهد شد. معامله به همین طور بود که پیغمبر علیه الصلوٰۃ والسلام از دنیا تشریف بردند. در دور خلافت صدیقی نیز همین حال بود حتی که تا ابتدای خلافت فاروقی همین صورت حال برقرار بود» و در یک حدیث دیگر چنین است :

إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ لَكُمْ صِيَامَ رَمَضَانَ وَسَنَنْتُ لَكُمْ قِيَامَهُ فَمَنْ صَامَهُ وَقَامَهُ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ (جامع الاصول ۴/۴۴۹ به روایت نسائی)

«یقیناً خدا به شما روزه رمضان را فرض کرده است و من برای شما قیام (شب) رمضان را مسنون قرار داده ام پس هر کس که با ایمان و ارادهٔ ثواب (در روز آن) روزه گرفت و (در شب آن) قیام کرد از گناه خود چنان بیرون (پاک) می شود که گویا همان روز از شکم مادر تولد شده باشد»

۱- تراویح خواندن آنحضرت صلی الله علیه وسلم با جماعت در چند شب نیز ثابت است. چنانچه در حدیث عائشه سه شب ذکر است که در شب اول تا یک ثلث شب و شب دوم تا نصف شب و در شب سوم تا دمید سحر در نماز بودند (صحیح بخاری ۲/۲۶۹)

۲- در روایت ابی ذر در شب بیست و سوم تا یک ثلث شب مذکور است و در شب بیست و پنجم تا نصف شب و در شب بیست و هفتم تا وقت فجر مذکور است (جامع الاصول ۴/۴۵۰ به روایت ترمذی - ابوداؤد - نسائی)

۳ روایت نعمان بن بشیر که بعینه مضمون روایت ابی ذر است

(نسائی ۴/۴۵۰ ج ۱)

۴ - روایت زید بن ثابت که درین صرف ذکر یک شب است -
(جامع الاصول ص ۱۱۴ به روایت بخاری، مسلم، ابوداؤد و نسائی)

۵ - روایت انس که درین نیز صرف ذکر یک شب است^۱ (صحیح مسلم ص ۳۵۱)
و در رمضان المبارک مجاهده آنحضرت صلی الله علیه و سلم دو چند میشد
خصوصاً در عشره اخیر تمام شب را در قیام (نماز) می گذرانیدند -
لیکن آنحضرت صلی الله علیه و سلم جماعت تراویح را ادامه ندادند بلکه
خطر محسوس کرد که مبادا به شما فرض نشود، بلی حکم کرد که البته در خانه های
خود تراویح بخوانید -

در یک روایت ضعیف آمده است که مقدار نماز آنحضرت صلی الله
علیه و سلم نیز زیاده می شد -

(فیض القدر شرح جامع الصغیر ص ۱۳۲ و فیہ عبد الباقي بن قانع،
قال الدارقطنی: یخطئ کثیراً)

با این هم در یک روایت صحیح این نیامده است که مقدار تراویح که
آنحضرت صلی الله علیه و سلم در رمضان المبارک با جماعت ادا کرده بودند چند
رکعت بود ؟

۱ - از جابر روایت است که فقط یک شب آنحضرت صلی الله علیه و سلم
هشت رکعت تراویح و ترا با جماعت ادا فرمودند -

موارد الظمان ض ۲۳ و قیام اللیل للمروزی ص ۹
مجمع الزوائد ص ۱۱۴ به روایت طبرانی و ابویعلی

مگر در سند این روایت عیسی بن جریه (نامی راوی) متفرد است که
محدثین آن را ضعیف و مجروح قرار داده اند (چنانچه) امام جرح و تعدیل یحیی بن
معین درباره آن می گوید "لیس بذاک" یعنی وی قوی نیست و نیز می گوید
عنده مناکیر یعنی نزد او متحد روایات منکر (ضعیف) است - امام
ابوداؤد و امام نسائی نیز آن را منکر الحدیث گفته اند - امام نسائی

اورا متروک نیز گفته است - ساجی و عقیلی اورا (عبسی بن جاریہ را) در
ضعف شمار کرده اند - ابن عدی می گوید کہ احادیث مرویہ آن محفوظ نیست
(تہذیب التہذیب ج ۸، میزان الاعتدال ص ۳۱۱)

حاصل اینکه راوی این حدیث ہم متفرد است و ہم ضعیف لهذا این
روایت منکر است، علاوہ ازین درین روایت فقط واقعہ یک شب ذکر است
در حالیکہ احتمال دارد کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم قبل از آن ہشت رکعت یا
بعد از آن تنہا چیزی خواندہ باشند چنانچہ در روایت انس مذکور است -
(مجمع الزوائد ص ۱۴۳ بہ روایت طبرانی وقال رجالہ رجال الصحیح)

۲ - روایت دوم از ابن عباس رضی اللہ عنہما است کہ در مصنف ابن
ابی شیبہ مذکور است - در آن روایت چنین است کہ آنحضرت صلی اللہ
علیہ وسلم بیست رکعت تراویح و وتر را بہ امامت ادامی فرمودند
(ص ۳۹۶ نیز سنن کبری بیہقی ص ۲۹۶ و مجمع الزوائد ص ۱۴۶)

مگر در سند این روایت ابو شیبہ ابراہیم بن عثمان راوی ضعیف
است - پس از نگاہ سند این روایت ہم صحیح نیست لیکن چنانچہ در
صفحات آیندہ معلوم خواہد شد کہ در زمانہ عمر فاروق تعامل (واجماع)
امت مطابق همین روایت شد -

۳ - روایت سوم از حضرت عائشہ منقول است کہ در سوال بآن حوالہ دادہ
شد، لیکن درین روایت تراویح ذکر نیست بلکہ ذکر همان نماز (تہجد) است
کہ ہمیشہ در رمضان و غیرہ آن ادامی کردند (حالاکہ در غیر رمضان تراویح
نہ می باشد) لهذا در تعداد رکعت ہای تراویح ازین (روایت) استناد نمی
توان کرد - چنانچہ علامہ شوکانی در نیل الاوطار می نویسد :

والمحصل ان الذی دلت علیہ احادیث الباب وما یشابہا
ہو مشروعیۃ القیام فی رمضان والصلوۃ فیہ جماعۃ وفرادی

فقصر الصلوة المسماة بالتراویح علی عدد مغین و تخصیصها بقلوة مخصوصة لم ترد به سنة. (نیل الاوطار ص ۴۸)

”حاصل این که چیزی که از احادیث باب و امثال آن از دیگر احادیث معلوم می شود این است که قیام رمضان و ادای نماز باجماعت و تنها تنها (در شب رمضان) مشروع است اما تخصیص نماز تراویح به تعداد رکعات معین و تخصیص قرائت در آن در حدیث نیامده است“

۲- تراویح در عصر فاروقی

در عهد نبوی صلی الله علیه وسلم و عهد صدیق اکبر رضی الله عنه ادای تراویح باجماعت امر مهم شمرده نمی شد و نه جماعت را اتمام میکردند بلکه مردم تنها تنها یا بشکل جماعت های کوچک تراویح را ادامه می کردند نخستین از همه حضرت عمرؓ مردم را در عقب یک امام (برای تراویح خواندن) جمع کرد (صحیح بخاری ص ۲۹۹)

این واقعه (جمع مردم عقیب یک امام) در سال دوم خلافت فاروقی یعنی ۱۷ هجری بوقوع آمد. (تاریخ الخلفاء ملک ۱۳ تاریخ ابن اثیر ص ۱۳۲)

رکعات تراویح در عهد فاروقی

در عهد فاروق اعظم چند رکعت تراویح باجماعت داده میشد؟ جواب این در روایت سائب بن یزید صحابی مذکور است. این حدیث را از سائب بن یزید سه نفر از شاگردانش روایت می کنند :-

(۱) عارت بن عبد الرحمن بن ابی ذباب

(۲) یزید بن خصیفه

(۳) محمد بن یوسف

تفصیل روایت هر سه حسب ذیل است

۱- روایت حارث بن عبد الرحمن را علامه عینی در شرح بخاری به حواله حافظ ابن عبد البر نقل کرده است -

قال ابن عبد البر : وروی الحارث بن عبد الرحمن بن ابی ذباب عنه السائب بن یزید قال کان القیام علی عهد عمر بثلاث وعشرین رکعة قال ابن عبد البر هذا محمول علی ان الثلاث للوتر .
(عمدة القاری ص ۱۲۶)

ابن عبد البر مالکی می گوید که حارث بن عبد الرحمن بن ابی ذباب از حضرت سائب بن یزید روایت کرده است که در عهد حضرت عمر (تراویح) بیست و سه رکعت خوانده می شد - ابن عبد البر می گوید که از آن جمله بیست رکعت تراویح می بود و سه رکعت وتر

۲- راوی دوم از سائب بن یزید، یزید بن خصیفه است که از آن سه شاگردانش روایت می کنند

(۱) ابن ابی ذئب

(۲) محمد بن جعفر

(۳) امام مالک

این همه بالاتفاق بیست بیست روایت کرده اند
(الف) روایت ابن ابی ذئب در سنن کبری بیہقی به سند ذیل مروی است -

أخبرنا أبو عبد الله الحسين بن محمد بن الحسين بن فضال بن فنجويه الدينوري - بالدامغان - ثنا أحمد بن محمد بن إسحاق السني أئبنا عبد الله بن محمد بن عبد العزيز البغوي ثنا علي بن الجعد أئبنا ابن أبي ذئب عن يزيد بن خصيفة عن السائب بن يزيد قال كانوا يقومون على عهد عمر بن الخطاب رضي الله عنه في شهر

در رمضان بعشرين ركعة ، قال وكانوا يقرءون بالمئين وكانوا
يتوكلون على عصيهم في عهد عثمان بن عفان رضي الله عنه
من شدة القيام . (سنن كبرى ۲/۲۹۶ ج ۲)

یعنی ابن ابی ذئب از یزید بن خصیفه و او از سائب بن یزید روایت
می کند که مردم در عهد حضرت عمر رضی الله عنه در رمضان بیست رکعت
نماز ادا می کردند و در عهد حضرت عثمان رضی الله عنه از دست استادن
بسیار به عصاهای تکیه می کردند

این سند را امام نووی و امام عراقی و امام سیوطی صحیح قرار داده اند -

(آثار السنن ۲/۵۲ ، تحفة الاحوذی ۲/۵۲)

(ب) روایت محمد بن جعفر در کتاب دیگر امام بهیقی " معرفة السنن والآثار "

باین سند مروی است :

أخبرنا أبو الطاهر الفقيه ثنا أبو عثمان البصري ثنا
أبو أحمد محمد بن عبد الوهاب ثنا خالد بن مخلد ثنا
محمد بن جعفر حدثني يزيد بن خصيفة عن السائب بن يزيد قال
كنا نقوم في زمن عمر بن الخطاب بعشرين ركعة والوتر -

(نصب الراية ۱۵۲ ج ۲)

یعنی محمد بن جعفر از یزید بن خصیفه و او از سائب بن یزید رضی الله عنه
روایت می کند که ما در زمان عمر فاروق بیست رکعت (تراویح) و
وتر را ادا می کردیم -

سند این روایت را امام نووی در خلاصه و علامه سبکی در شرح
منهاج و ملا علی قاری در شرح موطأ صحیح گفته اند -

(ج) روایت امام مالک را از یزید بن خصیفه حافظ (ابن حجر) در فتح الباری ذکر کرده است و علامه شوکانی ذیل الاوطار - چنانچه حافظ می گوید :

وروی مالک من طریق یزید بن خصیفه عن السائب بن یزید عشرين ركعة - (فتح الباری ج ۲ ص ۲۵۳ طبع لاهور)

یعنی امام مالک از طریق یزید بن خصیفه از سائب بن یزید بیست رکعت روایت کرده است -

و علامه شوکانی می گوید :

وفي الموطأ من طريق یزید بن خصیفه عن السائب بن یزید انهما عشرين ركعة - (ذیل الاوطار ص ۲۵۳ مطبوعه عثمانیه مصر)

همین سند " مالک عن یزید بن خصیفه عن السائب بن یزید " بعینه در صحیح بخاری (ج ۳ ص ۳۱۷) موجود است .

لیکن این روایت در نسخه موجوده موطا یا فته نشد ؛ ممکن است که در کدام نسخه موطا از نظر حافظ گذشته باشد و یا که در غیر موطا باشد ولی علامه شوکانی سهواً " وفي الموطأ " گفته باشد -

۳ در روایت شاگرد سوم سائب بن یزید که محمد بن یوسف باشد شاگردان وی (محمد بن یوسف) اختلاف دارند

(الف) از امام مالک دیگران روایت است که حضرت عمر رضی اللہ عنہ ابی و تمیم داری را حکم کرد که بمردم یازده رکعت بخوانند چه شیخ در موطا امام مالک موجود است - (موطا امام مالک ص ۲۹ مطبوعه نور محمد کراچی)

(ب) ابن اثیر از محمد بن یوسف سیزده رکعت را روایت کرده است (فتح الباری ج ۲ ص ۲۵۳)

(ج) داود بن قیس و دیگر شاگردان از محمد بن یوسف ۲۱ رکعت را روایت می کنند - (مصنّف عبدالرزاق ض ۲۶ ج ۴)
 ازین تفصیل معلوم شد که دو شاگرد سائب بن یزید (حضرت حارث و یزید بن خصیف) و سه شاگرد یزید درین لفظ متفق اند که حضرت عمر مردم را به خواندن بیست رکعت جمع نموده بودند - اما روایت محمد بن یوسف مضطرب است، بعض (شاگردانش) یازده رکعت روایت کرده اند و بعض سیزده و بعض بیست و یک، طبق قاعده اصول حدیث، حدیث مضطرب حجت نه می تواند شد لهذا حدیث صحیح آنست که حارث و یزید بن خصیف از سائب روایت می کنند - و اگر روایت مشکوک و مضطرب محمد بن یوسف را تا یک حدی قابل قبول شمرده شود صورت تطبیق در میان هر دو همان است که امام بیهقی ذکر کرده است (اینکه عمر فاروقی تا چند روز به روایت یازده عمل کردند و بعداً عمل به بیست قرار گرفت - چنانچه امام بیهقی بعد از ذکر هر دو روایت مینویسد :

و يمكن الجمع بين الروایتين فانهم كانوا يقومون باحدى عشرة ثم كانوا يقومون بعشرين ويوتر بثلاث . (سنن کبریٰ ص ۴۹۶)
 یعنی تطبیق در میان هر دو روایت امکان دارد باین طور که مردم اولاً یازده رکعت ادا می کردند بعداً بیست رکعت تراویح و سه رکعت وتر را معمول گردانیدند -

این رأی امام بیهقی را که آخری عمل صحابه در عهد فاروقی به بیست رکعت قرار گرفت شواهد و قرائن متعدّد تأیید میکند -
 اولاً : امام مالک که از محمد بن یوسف یازده رکعت روایت کرده است مسلک و مذہب خودش بیست یا سی و شش رکعت تراویح است چنانچه در بحث چهارم ذکر خواهد شد -

ازین به وقت کامل معلوم می شود که روایت یازده نزد امام مالک

پسندیده و مختار نبود (ورنه عمل را به آن هرگز ترک نمی کرد)
 ثانیاً: ابن اسحاق که راوی سیزده رکعت است از محمد بن یوسف روایت
 بیست را زیاده اثبت می گوید چنانچه علامه شوکانی در ذیل روایت بیست
 رکعت قول آن را نقل می کند:

قال ابن اسحاق: وهذا اثبت ما سمعت في ذلك (بیل الادوار ص ۵۳)
 یعنی در باره رکعات تراویح چیزی که من شنیده ام این روایت بیست
 رکعت از همه قوی تر است -

ثالثاً: روایت یازده رکعتی محمد بن یوسف را هیچ مؤیدی نیست،
 اما روایت بیست رکعتی سائب بن یزید را چند روایت دیگر مؤید است -
 ۱. لول روایت یزید بن رومان که این است:

كان الناس يقومون في زمان عمر بن الخطاب في رمضان بثلاث وعشرين
 ركعة - (موطأ امام مالک ص ۹۸ مطبوعه نور محمد کراچی)
 مردم در زمانه حضرت عمر بیست و سه رکعت می خواندند (بیست تراویح
 و سه وتر) -

اگر چه این روایت از لحاظ سند بسیار قوی است مگر مرسل است، زیرا
 یزید بن رومان حضرت عمر را درک نه کرده است - باز هم حدیث مرسل (اگر
 سند ثقہ و قابل اعتماد مروی باشد) نزد امام مالک و امام ابو حنیفه و امام
 احمد و جمهور علماء حجت است - بلی شرط حجت حدیث مرسل نزد امام شافعی
 این است که تأیید آن مرسل به حدیث مسند شده باشد - چونکه حدیث یزید بن رومان
 را روایات متعدده تأیید می کند لذا باتفاق اهل علم حجت است -

این بحث راجع به مطلق مرسل بود ورنه در باره مراسیل موطأ (مالک)
 فیصله علمای حدیث این است که تمام (مراسیل موطأ) صحیح اند - چنانچه امام احمد
 شاه ولی الله محدث دهلوی در حجتہ الله البالغة می نویسد:

وقال الشافعي اصح الكتب بعد كتاب الله مؤطا مالك
واتفق أهل الحديث على أن جميع ما فيه صحيح على رأى مالك
ومن وافقه ، و أما على رأى غيره فليس فيه مرسل ولا منقطع
الا قد اتصل السند به من طرق أخرى فلا جرم انها صحيحة
من هذا الوجه ، وقد صنف فى زمان مالك مؤطآت كثيرة
فى تخريج أحاديثه و وصل منقطعه مثل كتاب ابن أبي
وابن عيينة و الثورى و معمر . (حجة الله البالغة)

”امام شافعى فرموده است كه صحيح ترين كتاب با بعد از قرآن كريم مؤطاي
امام مالك است ، و تمام علمائى حديث متفق اند برين كه چقدر روايات كه
در مؤطا هست نزد امام مالك و موافقانش هم صحيح است و نزد ديگران در
مؤطا مرسل و منقطعى نيست كه از ديگر طرق سند آن متصل نباشد ،
از اين لحاظ تمام روايات مؤطا صحيح اند - در عصر امام مالك بغرض تخريج احاديث
مؤطا و اتصال نمودن روايات منقطع آن مؤطاهائى بسيار تصنيف شده بود
مثل كتاب هاى ابن ابى ذئب ، ابن عيينه ، ثورى و معمر -
ديگر اينكه دليل بيست ركعتى حديث سائب بن يزيد است كه صحت آن
صراحت ذكر شده ، اما روايت يزيد بن رومان فقط بطور تائيد ذكر کرده
شده است .

- ۲ - دوم روايت يحيى بن سعيد انصارى است :
ان عمر بن الخطاب امر رجلا ان يصلى بهم عشرين ركعة .
حضرت عمر بن خطاب نفر را احكم كرد كه بمردم بيست ركعت تراويح بخواند .
- ۳ - سوم روايت عبد العزيز بن رفيع است .

كان أبي بن كعب يصلي بالناس في رمضان بالمدينة
عشرين ركعة ويوتر بثلاث - (حوالہ بالا)

”حضرت اُبی بن کعب در مدینہ منورہ بیست رکعت تراویح و سہ
رکعت وتر را بمردم امامت می کرد۔ این روایت نیز مرسل است“
۴۔ چہارم روایت محمد بن کعب قرظی است :

كان الناس يصلون في زمان عمر بن الخطاب في رمضان
عشرين ركعة يطيلون فيها القراءة ويوترون بثلاث
(قیام اللیل ۹۱)

”مردم در زمان حضرت عمر در رمضان بیست رکعت می خواندند کہ
در آن قرات را طویل می کردند و سہ رکعت وتر می خواندند۔“

این روایت نیز مرسل است کہ در قیام اللیل سندش منکون نیست
۵۔ پنجم روایت اُبی بن کعب است در کنز العمال :

إن عمر بن الخطاب أمره أن يصلي بالليل في رمضان، فقال
ان الناس يصومون النهار ولا يحسنون ان يقرأوا، فلو قرأت عليهم
بالليل، فقال يا امير المؤمنين هذا شئ لم يكن فقال قد علمت لكنه
حسن فصلى بهم عشرين ركعة

(ابن منیع) (کنز العمال ج ۲۹ طبع جدید۔ بیروت)

”حضرت عمرؓ اُبی بن کعبؓ را امر کرد کہ در شب رمضان بمردم در نماز
امامت کند (زیراکہ) مردم در روز روزہ می گیرند لیکن قرآن را خوب خواندن
نمی توانند۔ کاش کہ شب برای آنها قرآن می شتوانیدی۔ اُبی بن کعب گفت
اے امیر المؤمنین! این کار بیست کہ قبلاً نبود (پس چطور من می توانم کرد)
گفت بمن معلوم است لیکن این یک کار خوب است، پس بخواند بمردم
بیست رکعت“

صاحب کتبخانه‌ها این روایت را بحواله ابن مسیح ذکر کرده است که سندش معلوم نیست، لیکن اگر ضعیف هم باشد برای تأیید کافی است.

رابعاً: در روشنی روایات فوق الذکر تمام اهل علم به این قائل اند که حضرت عمرؓ مردم را به خواندن بیست رکعت جمع نمود و تمام صحابه با او متفق شدند پس این بمنزله اجماع شد. این جا چند آراء اکابر علماء ذکر می شود:

۱ امام ترمذی و اخلاف اهل العلم فی قیام رمضان فرای بعضهم ان یصلی احدى واربعین رکعة مع الوتر وهو قول اهل المدينة والعمل علی هذا عندهم بالمدينة و اکثر اهل العلم علی ما روی عن علی وعمر و غیرهما من اصحاب النبی صلی الله علیه وسلم عشرين رکعة وهو قول سفیان وابن المبارک والشافعی وقال الشافعی وهكذا ادرکت ببلدنا بمكة یصلون عشرين رکعة. (سنن ترمذی ص ۹۹ ج ۱)

”یعنی راجع به قیام رمضان (تراویح) علماء اختلاف دارند. رأی بعض علماء این است که چهل و یک رکعت خوانده شود همراهی وتر. این قول اهل مدینه است و عمل اهل مدینه نیز همین است. (در زمان امام ترمذی) اکثر علماء طبق روایت از حضرت علی و حضرت عمر و دیگر صحابه پیغمبر علیه الصلوة والسلام برین قائل اند که بیست رکعت خوانده شود، همین است قول سفیان ثوری و ابن مبارک و امام شافعی بلکه امام شافعی می گوید که من اهل بلد خود یعنی اهل مکه مکرمه را بر همین یافته ام که بیست رکعت میخوانند.“

۲ ابوالولید سلیمان بن خلف مالکی (ص ۹۴۲)

علامه زرقانی در شرح موطا از ابوالولید سلیمان بن خلف قرطبی با جمعی

نقل می کند که :

قال الباجی فامرهم أولاً بتطويل القراءة لانه افضل
ثم ضعف الناس فامرهم بثلاث وعشرين فخفضت من طول القراءة
واستدرك بعض الفضيلة بزيادة الركعات (شرح زرقانی علی الموطأ ج ۱ ص ۱۳۳)
”ابو الولید باجی گفته است که حضرت عمر اولاً بطولِ قرات حکم کرد
چون طولِ قرات افضل است، لیکن چون مردم ضعیف شدند حکم کرد به بیست
و سه رکعت، در قرات تخفیف نمود و فضیلت آنرا از کثرت رکعات تکمیل کرد“
بعد ازین زرقانی می نویسد :

قال الباجی وكان الامر على ذلك الى يوم الحرة فثقل عليهم
القيام ففقصوا من القراءة وزادوا الركعات فجعلت ستاً وثلاثين
غير الشفع والوتر - (زرقانی ص ۲۳۴ ج ۱)

”ابو الولید باجی می گوید که تا واقعه حرّه بیست رکعت رواج بود
بعد از آنکه قیام دراز بر مردم مشکل معلوم شد، در قرات کمی نموده
رکعات را اضافه کردند که غیر از وتر سی و شش رکعت شد“

۳- حافظ ابن عبد البر المالکی

علامه زرقانی همین کلام را البیینه از حافظ ابن عبد البر (۳۶۸-۴۶۳ هـ)
و از ابو مروان عبد الملک بن حبیب قرطبی مالکی (۲۳۴ هـ) نقل کرده است
(زرقانی ص ۲۳۹ ج ۱)

۴- ابن قدامة حنبلی

حافظ موفق الدین - ابن قدامة المقدسی الحنبلی (۴۲۰-۵۰۲ هـ) در المغنی
می نویسد :

ولنا ان عمر رضى الله عنه لما جمع الناس على أبي بن كعب
كان يصلي لهم عشرين ركعة -

« دلیل ما این است که چون حضرت عمرؓ مردم را در عقیب اُبی بن ابی کعب جمع کرد حضرت اُبی بمردم بیست رکعت میخواند.

بعد از ذکر روایات مربوط این موضوع خصوصاً ذکر اثر علی (ابن قدامه)

می نویسد: و هذا كالأجماع یعنی این بمنزله اجماع است -

باز سی و شش رکعت که معمول اهل مدینه بود راجع به آن می گوید :

ثم لو ثبت أن أهل المدينة كلهم فعلوه لكان ما

فعله عمر واجمع عليه الصحابة في عصره أولى بالاتباع - قال

بعض أهل العلم انما فعل هذا أهل المدينة لانهم

امرادوا مساواة أهل مكة فان أهل مكة (كانوا) يطوفون سبعاً بين

كل ترويحتين فجعل أهل المدينة مكان كل سبع أربع

ركعات وما كان عليه اصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم أولى

وأحق - (ابن قدامة المغنی مع الشرح الكبير ص ۴۹۹ ج ۱)

« و اگر ثابت شود که اهل مدینه سی و شش رکعت می خوانند باز هم آنچه

حضرت عمرؓ کرده است و صحابه بران اجماع کرده اند در دور حضرت عمرؓ اولی

واحق است به اتباع نمودن - بعضی علما چنین گفته اند که غرض اهل مدینه

ازین عمل (خواندن سی و شش رکعت) برابری اهل مکه بود که اهل مکه در میان

هر دو ترویجه هفت مرتبه طواف می کردند پس اهل مدینه بجای هفت مرتبه

طواف چهار رکعت مقرر کردند - بهر صورت آنچه که معمول اصحاب رسول الله

صلی الله علیه و سلم است ، اولی و احق است به اتباع از دیگران -

۵ - امام نووی

امام محی الدین نووی (۶۶۲، ۷۲۷ هـ) در شرح مذهب می نویسد :

واحتج أصحابنا بما رواه البيهقي وغيره بالاسناد الصحيح

عن السائب بن يزيد الصحابي رضي الله عنه قال كانوا يقومون

علی عهد عمر بن الخطاب رضی الله عنه فی شهر رمضان
 بعشرين رکعة . الحديث (المجموع شرح مذهب ص ۳۲)
 اصحاب ما (علمای شافعیه) به آن حدیث استدلال کرده اند که
 امام بیهقی و دیگر علماء از سائب بن یزید صحابی بسند صحیح روایت
 کرده اند که در زمانه حضرت عمر رضی الله عنه مردم بیست رکعت میخواندند
 بعد ازین روایت یزید بن رومان را ذکر نموده تطبیق امام بیهقی را ذکر میکنند
 و نیز اثر علی رضی الله عنه درج نموده محل اهل مدینه را همان توجیه کرده است
 که در عبارت ابن قدامه گذشت :

۶ - علامه شهاب الدین قسطلانی

علامه شهاب الدین احمد بن عبد الملك بن احمد بن محمد
 قسطلانی شافعی (۲۹۳۳ هـ) در شرح بخاری می نویسد :
 وجمع البیهقی بینهما بأنهم كانوا یقومون باحدى
 عشرة ثم قاموا بعشرين واوروا بثلاث وقد عدّ وأما وقع فی
 زمن عمر رضی الله عنه کالاجماع . (ارشاد الساری ص ۶۶)
 " امام بیهقی هر دو روایت را این طور جمع کرده است که اول یازده
 رکعت می خواندند بعداً بیست رکعت تراویح و وتر را معمول خود ساختند
 و عمل که در عصر عمر رضی الله عنه جاری شده بود آن را علماء بمنزله اجماع
 شمار کرده اند ."

۷ - شیخ منصور حنبلی

علامه شیخ منصور بن یونس بیهقی حنبلی (۱۰۴۶ هـ) در
 کشف القناع عن متن الاقناع می نویسد :

وهی عشرون رکعة لما روی مالک عن یزید بن رومان
 قال کان الناس یقومون فی زمن عمر فی رمضان بثلاث وعشرين

رکعت، و هذا في مظنة الشهرة بحضور الصحابة فكان اجماعاً

(كشف القناع عن متن الاوضاع ص ۳۹۲)

” تراویح بیست است چنانچه امام مالک از یزید بن رومان روایت کرده است که مردم در عصر حضرت عمر در رمضان بیست و سه رکعت می خوانند - این حکم حضرت عمر بخواندن بیست رکعت در محضر صحابه به حدیث رسیده است و این مرتبه اجماع را دارد “

۸ - شاه ولی الله دهلوی

مسند الهند شاه ولی الله دهلوی در حجة الله البالغة می نویسد :

وزادت الصحابة ومن بعدهم في قيام رمضان ثلاثة اشياء :

الاجتماع له في مساجدهم وذلك لانه يفيد تيسيرهم على خاصتهم و عامتهم، واداءه في اول الليل مع القول بان صلوة آخر الليل مشهودة وهي افضل مكانته عمر على هذا التيسير الذي اشرنا اليه، وعدده عشرون ركعة (حجة الله البالغة ص ۱۸ ج ۲)

” صحابه كرام و كسانيكه بعد از ايشان بودند (تابعين و تبع تابعين)

در قيام (شب) رمضان سه چیز اضاافه نمودند

(۱) جمع شدن در مساجد که درین آسانی برای خاص و عام است ،

(۲) ادا نمودن (تراویح) در اول شب با وجود اعتراف اینکه آخر شب

از اول آن زیاده فضیلت دارد چون در آخر شب فرشته با حاضری شوند ،

چنانچه حضرت عمر به این فضیلت تنبیه نمودند - مگر اختیار کردن اول شب برای همون آسانی بود که بطرف آن اشاره نمودیم -

(۳) عدد رکعات تراویح را بیست قرار دادند “

تراویح در عهد صحابه و تابعین

بسیست رکعت تراویح که در عهد حضرت عمر رائج شده بود در آینده هم کم از کم بیست رکعت معمول و باقی ماند. از بعضی صحابه و تابعین زائد از بیست رکعت نیز مروی هست لیکن صرف هشت رکعت (تراویح) از احدى هم مروی نیست -

روایات بیست رکعتی از صحابه و تابعین

۱- روایت سائب بن یزید که ذکر شد در آن بعد از ذکر بیست رکعت عهد فاروقی ضمناً بیست رکعت عهد عثمانی نیز مذکور است
 ۲- عبد الله بن مسعود که در اواخر عصر عثمانی وفات کرد او نیز بیست رکعت تراویح می خواند - (قیام اللیل للمروزی ص ۹)

۳- عن ابی عبد الرحمن السلی عن علی رضی الله عنه انه دعا القراء فی رمضان فأمر منهم رجلاً یصلی بالناس عشرين رکعة وکان علی یوتر بهم (سنن کبریٰ للبیهقی ص ۴۹ ج ۲)
 "عبد الرحمن سلمی روایت می کند که حضرت علی قاریه را در رمضان طلب نموده یکی از آنها را حکم کرد که بمردم بیست رکعت بخواند و در و تر خود حضرت علی امامت می کرد."

اگرچه در سند این روایت حماد بن شعیب است که محدثین در باره آن کلام کرده اند مگر شواهد بسیار دارد که مؤید آن می گردد - بلکه این روایت ابو عبد الرحمن را شیخ الاسلام حافظ ابن تیمیه در منهاج السنه ذکر کرده است و ازین استدلال کرده است که حضرت علی تراویح جاری کرده حضرت عمر را در دور خلافت

خود باقی داشت - (منهاج السنّة ص ۲۲۴ ج ۲)

حافظ ذهبی در "المفتی" ص ۵۴ مختصر منهاج السنّة این استدلال حافظ ابن تیمیّه را بلا تکلیف ذکر کرده است، ازین روایات بوضاحت کامل معلوم شد که نزد این دو (حافظ حدیث) در عهد حضرت علی هم بیست رکعت تراویح معمول بود -

۴ - عن عمرو بن قیس عن ابی الحسّاء أن علیاً أمر رجلاً یصلی بهم فی رمضان عشرين رکعة - "عمرو بن قیس نیز روایت می کند که حضرت علی یک شخص را حکم کرد که در رمضان بمردم بیست رکعت تراویح بخواند" (مصنف ابن ابی شیبہ ص ۳۹۳ ج ۲)

۵ - عن ابی سعید البقال عن ابی الحسّاء أن علی بن ابی طالب رضی الله عنه أمر رجلاً أن یصلی بالناس خمس تویحات عشرين رکعة وفي هذا الاسناد ضعف - (سنن کبریٰ بیہقی ص ۴۹۵ ج ۲)
 "ابی الحسّاء نیز از حضرت علی روایت می کند که آن یک شخص را امر کرد که بمردم پنج ترویج یعنی بیست رکعت نماز ادا کند، بلی در اسناد این ضعف است"

لیکن علامہ ابن ترکمانی در "الجوهر النقی" می نویسد که ظاہر این است که ضعف این روایت به سبب ابوسعید بقال است که آن منکرم فیہ است مگر در مصنف ابن ابی شیبہ (چنانچہ گذشت) متابع این موجود است و این متابع جابر ضعف آن می گردد - (ذیل سنن کبریٰ ص ۴۹۵ ج ۲)

۶ - عن شتیر بن شکل وکان من اصحاب علی رضی الله عنه کان یؤمّهم فی شهر رمضان بعشرين رکعة ویوتر بثلاث -

(سنن کبریٰ ص ۴۹۴ ج ۲، قیام اللیل ص ۱)

"شتیر بن شکل که از اصحاب حضرت علی بود در ماه رمضان بمردم در بیست

رکعت تراویح و سه وتر امامت می کرد.

امام بی‌هقی بعد از نقل کردن این اثر می گوید

درین اثر قوه است (که سند می تواند شد) بعداً در تائید آن اثر ابو عبد الرحمن سلمی را که قبلاً گزشت ذکر کرده است.

۴ - عن ابی الخضیب قال کان یؤمنا سوید بن غفلة فی رمضان

فیصلی خمس ترویجات عشرين رکعة - (سنن کبریٰ مج ۹۹)

”ابو الخضیب می گوید که سوید بن غفلة بما در رمضان امام بود در پنج ترویج بیت رکعت میخواند.“

قال النیموی واسنادہ حسن - (آثار السنن مج ۵)

”علامه نیموی گفته است که اسناد اثر ابو الخضیب در مرتبه حسن است“

سوید بن غفلة از اکابر تابعین به شمار می رود، دور جاهلیت و اسلام هر دو را درک کرده بود و در حیات آنحضرت صلی الله علیه وسلم مشرف به اسلام شد لیکن صحبت آنحضرت صلی الله علیه وسلم میسر نشد چون در مدینه همان روز رسید که آنحضرت صلی الله علیه وسلم دفن شده بودند لهذا به شرف صحابیت مشرف شدن نتوانست - بعداً در کوفه سکونت اختیار کرد که از اجله رفقاء ابن مسعودی و علی رضی الله عنهما به شمار میرفت - در سنه ۵۰ به عمر ۱۳ سالگی وفات کرد - (تقریب)

۸ - عن الحارث انه کان یؤم الناس فی رمضان باللیل

بعشرين رکعة و بوتر بثلاث و یقنت قبل الركوع -

(مصنف ابن شیبہ مج ۳۹ ج ۲)

”از حارث روایت است که او در رمضان در شب بمردم امامت

می کرد بیست رکعت تراویح می خواند و سه وتر و قنوت می خواند قبل از رکوع -

۹- در قیام اللیل از عبد الرحمن بن ابی بکره و سعید بن الحسن و عمران العبیدی روایت می کند که تا بیست شب رمضان بیست رکعت تراویح می خواندند و در عشره آخریک ترویج (چهار رکعت) را اضافه می کردند - (قیام اللیل ص ۹)

حارث و عبد الرحمن بن ابی بکره (۵۹۶ م) و سعید بن الحسن (۵۱۰ م) این هر سه از تلامذه حضرت علی بودند -

۱۰- ابوالختری نیز در بیست رکعت تراویح و سه و تراامت می کرد

(مصنف ابن ابی شیبہ ص ۳۹۳)

۱۱- علی بن ربیعہ که از اصحاب حضرت علیؑ بود بیست رکعت تراویح

و سه وتر می خواند - (مصنف ابن ابی شیبہ ص ۳۹۳)

۱۲- ابن ابی بلیکه (۵۱۱ م) نیز بیست رکعت تراویح می خواند

۱۳- عطامی گوید که من مردم را دیدم که همراهی و تربیست و سه رکعت

ادامی کردند - (مصنف ابن ابی شیبہ ص ۳۹۳)

۱۴- در مؤطا امام مالک از عبد الرحمن الاعرج (۵۱۱ م) روایت

است که من مردم را بحالتی یافتم که در رمضان بر کفار لعنت می فرستادند

و قاری در هشت رکعت سوره بقره را ختم می کرد و اگر در دوازده رکعت

سوره بقره را ختم می کرد مردم خیال می کردند که قرائت مختصر کرد -

(مؤطا امام مالک ص ۹۹)

اگر چه غرض ازین روایت بیان طول قرائت است در تراویح لیکن

از سیاق روایت معلوم می شود که صرف به هشت رکعت اکتفا نمی کردند

حاصل آنکه از وقتی که حضرت عمرؓ تراویح را با جماعت اجرا کرد بیست رکعت

یا زیاده ازان خوانده می شد البته در قریب تر از ایام حرّه (۵۶۳) در میان
 هر تر و یک چهار رکعت را اهل مدینه زیاده نموده همراهی و ترک کل چهل و یک رکعت
 می خواندند، و بعض دیگر از تابعین در ده اخیر از بیست رکعت هم اضافه میکردند
 بهر صورت در عصر صحابه و تابعین هشت رکعت تراویح در یک روایت ضعیف
 هم ثابت نیست، لهذا آنان گفته اند که در عهد فاروق اعظم صحابه به بیست
 رکعت تراویح اجماع کرده بودند قولشان بنی علی الحقیقت است چونکه سلف
 صالحین به بیست و زیاده ازان قائل بودند لیکن کمی از بیست رکعت از کسی
 منقول نیست، پس این دعوی صحیح شد که سلف اجماع کرده بودند
 برینکه رکعات تراویح کم از کم بیست باید بود

تراویح در نظر ائمه اربعه

امام ابوحنیفه، امام شافعی، امام احمد بن حنبل و امام محمد هر سه
 به بیست رکعت تراویح قائل اند، اما از امام مالک راجع به تراویح دو
 روایت منقول است یکی بیست رکعت و دیگری شش رکعت - مگر در
 متون مذاهب مالکی روایت بیست رکعتی را ترجیح داده شده است -
 درج نمودن حواله فقه حنفی ضرورت نیست البته از کتب مستند و معتبر دیگر
 مذاهب حواله تقدیم کرده می شود -

فقه مالکی قاضی ابوالولید ابن رشد مالکی (۵۹۵ هـ) در
 "بداية المجتهد" می نویسد :

واختلفوا في المختار من عدد الركعات التي يقوم بها الناس في
 رمضان، فاختر مالك في احد قوليه وابو حنيفة والشافعي واحمد وداود
 القيام بعشرين ركعة سوى الونز، وذكر ابن القاسم عن مالك انه كان

يستحسن ستاً وثلاثين ركعة والوتر ثلاث - (بداية المجتهد ص ۱۷۱ ج ۱)
 ” یعنی علمای دین اختلاف دارند که در رمضان چند رکعت تراویح
 خواندن بهتر است ؟ امام مالک در یک قول و امام ابوحنیفه و امام
 شافعی و امام احمد و داود ظاهری علاوه از وتر بیست رکعت تراویح را
 شمرده اند این قاسم از امام مالک نقل کرده است که وی سه وتر و شش و شش
 رکعت تراویح را اولی می دانست “

شارح مختصر خلیل علامه شیخ احمد الدردیر مالکی (۱۲۰۱ هـ) می نویسد :
 وهی ثلاث وعشرون ركعة بالشفع والوتر كما كان عليه العمل
 (ای عمل الصحابة والتابعين) (ثم جعلت) فی زمن عمر بن
 عبد العزيز (ستاً وثلاثين) بغير الشفع والوتر لكن الذي جرى عليه
 سلفاً وخلفاً الاوّل - (شرح الكبير للدردیری مع حاشية الدسوقي ص ۲۱۵)
 ” تراویح همراهی و تربیست و سه رکعت است یعنی به شمول دو رکعت
 و یک و ترجیح آن که عمل صحابه و تابعین بود ، باز در عهد عمر بن عبد العزیز
 سی و شش رکعت کرده شد علاوه از شفع و یک و تر ، مگر تعداد که
 سلف و خلف بر آن اتفاق دارند اول است (بیست و سه رکعت) “
 فقه شافعی امام محی الدین نووی (۶۷۲ هـ) در المجموع
 شرح مذهب “ می نویسد :

(فرع) فی مذاهب العلماء فی عدد رکعات التراویح
 مذهبنا انهما عشرون ركعة بعشر تسليمات غیر الوتر و ذلك خمس
 ترویحات و الترویحة اربع ركعات بتسليمتين هذا مذهبنا
 و به قال ابو حنیفة و اصحابه و احمد و داود و غیرهم
 و نقله القاضي عیاض عن جمهور العلماء و حکى ان الاسود
 بن یزید كان يقوم باربعين ركعة و یوتر بسبع و قال مالک

التراویح تسع ترویحات وهی ست وثلاثون رکعة غیر
الوتر - (مجموع شرح مهذب ص ۳۲ ج ۴)

”این بحث در بیان مذاهب علماء است راجع به تعداد رکعات
تراویح، مذهب ما این است که تراویح بیست رکعت است به ده سلام
غیر از وتر این به پنج ترویجه می رسد که هر ترویجه عبارت است از چهار
رکعت به دو سلام، این است مذهب ما، و همین است مذهب امام
ابوحنیفه و اصحابش و مذهب امام احمد و داود و ظاهری و دیگر علماء یمنی
عیاض همین بیست رکعت را از جمهور علماء نقل کرده است - و از اسود
بن یزید منقول است که وی چهل رکعت تراویح و هفت رکعت وتر می خواند
امام مالک گفته است که تراویح نه ترویجه سی و شش رکعت است غیر از وتر“
فقه حنبلی حافظ ابن قدامه مقدسی حنبلی (۲۶۲۰ هـ) در ”المغنی“
می نویسد :

والمختار عند ابی عبد الله فیها عشرون رکعة وبهذا
قال الثوری وابو حنیفة والشافعی وقال مالک ستة وثلاثون
(مغنی ابن قدامه ص ۴۹ ج ۱)

”مختار در تراویح نزد امام احمد بیست رکعت است - سفیان ثوری
امام ابوحنیفه و امام شافعی نیز به بیست رکعت قائل اند - و امام مالک
به سی و شش رکعت قائل است“

اختتام بحث در بیان چند فائده ضروری
برای موثق نمودن بیست رکعت تراویح اینجا چند فوائد را یادآور
می شویم :

بیت رکعت تراویح سنت موکده است

اجرا نمودن حضرت عمر بیست رکعت تراویح را در محضر اکابر صحابه و انکار نه کردن ایشان بر فعل عمر و از عهد صحابه گرفته تا امروز در شرق و غرب جهان بیست رکعت را معمول قرار دادن مسلمانان دلیل است بر اینکه (همین بیست رکعت) جزو دین است که خدا به بندگان خود پسندیده است نظیر این آیت مبارکه که وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ یعنی مقدر و آسان خواهد ساخت خدا برای خلفای راشدین همان دین ایشان را که خدا برایشان پسندیده است - در "الاختیار" شرح "المختار" چنین درج است

روی اسد بن عمرو عن ابی یوسف قال سألت ابا حنیفة رحمہ اللہ عن التراويح وما فعلہ عمر رضی اللہ عنہ فقال التراويح سنة مؤکدة ولم یترخص عمر من تلقاء نفسه ولم یکن فیہ مبتدعاً ولم یأمر به الا عن اصل لہ و عہد من رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم ولقد سنّ عمر ہذا و جمع الناس علی اُبی بن کعب فضلاھا جماعة و الصحابة متوافرون، منهم عثمان و علی و ابن مسعود و العباس و ابنہ و طلحة و الزبیر و معاذ و ابی و غیرہم من المهاجرین و الانصار رضی اللہ عنہم اجمعین و ما ردّ علیہ واحد منهم بل ساعدوا و وافقوا و امروا بذلك -

(الاختیار لتعلیل المختار) للشیخ الامام ابی الفضل
(محمد الدین عبد اللہ بن محمود الموصلی الحنفی (۵۶۸۲ھ))

”اسد بن عمرو از امام ابو یوسف روایت می کند که من از امام ابو حنیفه درباره تراویح و فعل عمر سوال کردم، گفت تراویح سنت مؤکده است حضرت عمر از طرف خود چیزی را اختراع نه کرده است و نه او موجد کلام بدعتی بود. آنچه که حضرت عمر حکم کرده است ضروری دلیل آن نزدش موجود بود که آن عهد و تاکید رسول الله صلی الله علیه و سلم باشد یقیناً حضرت عمر سنت تراویح را جاری کرد و جمع کرد مردم را در عقب ابی بن کعب پس آن ادا کرد تراویح را به جماعت در حالیکه در آن وقت یک جم غفیر از صحابه موجود بودند. از آنجمله مندرجہ ذیل افراد قابل ذکر اند:

حضرت عثمان، حضرت علی، عبد الله بن مسعود، عباس، عبد الله بن عباس، طلحه، زبیر، معاذ بن جبل، ابی بن کعب و دیگر صحابه مهاجرین و انصار رضی الله عنهم اجمعین، و یکی از این صحابه هم به حضرت عمر اعتراض نکردند بلکه همکاری و موافقت نمودند و خود نیز امر کردند به خواندن بیست رکعت“

تاکید بنوی راجع به سنت جاری کرده خلفای راشدین

از بیانیہ فوق الذکر معلوم شد که بیست رکعت تراویح سنت سه خلفای راشدین است (عمر، عثمان، علی رضی الله تعالی عنہم) و ارشاد بنوی صلی الله علیه و سلم درباره سنت خلفای راشدین باین طور است.

انه من یعیش منکم بعدی فیسیری اختلافاً کثیراً فاعلیکم بسنتی و سنت الخلفاء الراشدین المہدیین تمسکوا بها و عضوا علیها بالنواجذ و ایاکم و محدثات الامور فان کل محدثه بدعة و کل بدعة ضلالة. (رواه احمد و ابوداؤد و الترمذی و ابن ماجہ) مشکوٰۃ ۳/۱

”یعنی کسیکه از شما بعد از من زنده ماند اختلافات بسیار خواهد دید، پس (راه حق فقط همین است که) محکم بگیرید سنت و طریقه من را و سنت

جاری کرده خلفای راشدین را که از باطل دور و به هدایت قائم اند و به دندانه‌های خود قائم بگیرند آن سنت را، و خود را دور دارند از کارهای خود ساخته (و بی دلیل) چون هر عمل خود ساخته (و بی دلیل) بدعت است و هر بدعت (خواه حسته شمرده شود یا سبیه) سبب گمراهی است ازین حدیث شریف معلوم شد که اتباع سنت خلفای راشدین ضروری است و نیز مخالفت آن، بدعت و گمراهی است.

تجاوز از چهار مذهب تجاوز از سواد اعظم است

از حواله‌های بالا معلوم شد که هر چهار امام کم از کم به بیست رکعت تراویح قائل اند و اتباع مذاهب اربعه اتباع سواد اعظم است و تجاوز از مذاهب اربعه تجاوز از سواد اعظم است (و تجاوز از سواد اعظم تجاوز از اسلام است) امام الهند شاه ولی الله محدث دہلوی در عقد الجید فی الاجتهاد والتقلید مینویسد:

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم "اتبعوا السواد الاعظم"

ولما اندرست المذاهب الحقّة الا هذه الاربعة كان اتباعها اتباعاً للسواد الاعظم والخروج عنها خروجاً عن السواد الاعظم . (عقد الجید ص ۳ طبع ترکیه)

"رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمودند که شما سواد اعظم را اتباع کنید"

چون غیر از مذاهب اربعه دیگر یکی محوشده است (لذا پیروی یکی از مذاهب اربعه پیروی سواد اعظم است و خروج از مذاهب اربعه خروج از سواد اعظم است)

فلسفه بیست رکعت تراویح

دانشمندان امت هر یک طبق ذوق خود بیست رکعت تراویح را حکمت و مصلحتی بیان کرده اند که اینجا اقوال سه علماء بزرگ درج می شود :

۱- از شیخ ابراهیم حلبی حنفی (۵۶۲ هـ) در البحر الرائق منقول است

له رواه ابن ماجه من حدیث انس کما فی الشکوۃ ص ۳ و تمامه "فاته من شد شد فی النار"

و ذکر العلامة الحلبي ان الحكمة في كونها
عشرين ركعة ان السنن شرعت مكملات للواجبات
وهي عشرون بالوتر فكانت التراويح كذلك لتتقن المساواة
بين المكمل والمكمل انتهى . (بحوالائق ص ۲۵)
" علامه حلي گفته است كه حكمت در بيست ركعت بودن
تراويح اين است كه سنن براي تکميل فرائض و واجبات مشروع
شده است ، و عدد فرائض پنجگانه به شمول و ترتيب
ركعت است ، اين برابري از اين سبب شده كه مساوات واقع
شود درميان مكمل و مكمل ."

۲- علامه منصور بن يونس حنبل (۱۰۴۶ هـ) در كشف القناع
مي نويسد :

والسرفيه ان الراتبة عشر فضو عفت في رمضان
لانه وقت جد - (كشف القناع ص ۳۹ ج ۲)
" يعني حكمت بيست ركعت بودن تراويح اين است كه كل سنت
متوكده ده ركعت است ليكن در رمضان دو چندين ركعت شده زيرا
كه رمضان وقت محنت و رياضت است ."

۳- حكيم الامت شاه ولي الله محدث دهلوي راجع به حكمت
بيست ركعت قرار دادن صحابه تراويح را مي گويد :

و ذلك انهم راوا النبي صلى الله عليه وسلم
شرع للمحسنين احدى عشرة ركعة في جميع السنة فحكموا
انه لا ينبغي ان يكون حفظ المسلم في رمضان عند قصده
الا قحاما في لجة التشبه بالملكوت اقل من ضعفها .

حجة الله البالغة ص ۲ ج ۲

و این التزام بیست رکعت ازین سبب شد که چون صحابه نبی صلی الله
 علیه وسلم را دیدند که برای محسنین در تمام سال یا زده رکعت (تجید و وتر)
 شروع نمودند پس فیصله کردند که مسلمانان که در رمضان در دریای
 مشابیهت به ملکوت غزم غوطه خوردن دارند باید که حصه ایشان در رمضان
 از دو چپ در تمام سال کم نباشد -

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العلمین
 تمام شد

کتب ذیل نمبر بزودی مورد استفادہ
قرار خواہند گرفت

- ۱۔ اضواء المصابیح فی رکعات التراويح
- ۲۔ عدلِ اسلامی یا مساواتِ اشتراکی
- ۳۔ آئینۂ مجاہد
- ۴۔ مصاحبہ باقرآن